

# بررسی عامل جنسیت در داستان‌های کوتاه نوجوانان سال‌های ۶۸-۷۲

تهیه و تنظیم: مجید ابراهیم دماوندی،  
کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تربیت معلم  
استاد راهنما: مهرناز شهرآرای  
استاد مشاور: دکتر ولی الله فرزاد  
سال ۱۳۷۲  
مجموعه: آرزو



می‌تواند برای نویسندگان و دست‌اندرکاران ادبیات کودکان و نوجوانان، رهنمودهای ارزشمندی به همراه داشته باشد.

پژوهش، شامل پنج فصل است که فصل اول به اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف، فرضیات و سؤالات تحقیق مربوط می‌شود. در این فصل آمده است که: «به یقین می‌توان ادعان داشت که داستان‌های نوشته شده برای نوجوانان، در زمره آثار آموزشی و تربیتی قرار می‌گیرند. لذا لازم است که همپای بررسی و تحلیل فعالیت‌های آموزشی، کتب درسی، روش‌های آموزشی یا فنون تدریس، به تحلیل و بررسی آن‌ها نیز توجهی مبذول شود. یکی از سؤالاتی که در این مسیر به ذهن می‌رسد، این است که آیا قصه‌ها و داستان‌های ما از تغییرات الگوی روابط، سنت‌ها و هنجارهای اجتماعی متأثرند و آیا نویسندگان توانسته‌اند مخاطبین خود را بشناسند و برای مخاطبین امروزی بنویسند؟ آیا قصه‌ها توانسته‌اند همپای تحولات اجتماعی متحول شوند و آیا با مخاطبین خود که با همسالان نسل گذشته تفاوت بسیار دارند، رابطه برقرار می‌کنند؟»

در ادامه، درباره اهداف این پژوهش توضیحاتی داده شده است. سپس، چهار سؤال اصلی پژوهش، به این شرح آمده است:

«۱- آیا در داستان‌پردازی و شخصیت‌سازی داستان‌های نوشته شده برای نوجوانان، توجه یکسانی به هر دو جنس (دختر و پسر) وجود دارد؟

۲- آیا جنسیت نویسنده، با جنسیت شخصیت اول داستان، همخوانی دارد؟

۳- آیا بین نحوه پایان داستان (پایان خوش، پایان ناکام) و جنسیت شخصیت اول، ارتباطی وجود دارد؟

۴- آیا بین پیام یا درون‌مایه داستان (تربیتی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی) و جنسیت شخصیت

بررسی‌های انجام شده در این تحقیق، نشان می‌دهد که چگونه سمت‌گیری‌ها، مواضع و گاه تفکرات کلیشه‌ای به داستان‌ها راه می‌جویند و از این طریق، به کودکان و نوجوانان انتقال می‌یابند و یا مانع ارتباط نویسنده و مخاطب می‌شوند. گرایش و هواداری نسبت به جنس مؤنث یا مذکر در داستان، گونه‌ای از این نوع تفکرات است. این گرایش، فقط به شخصیت‌های داستان محدود نمی‌شود و دیگر ابعاد داستان را نیز متأثر می‌کند. این پژوهش، به منظور بررسی این تأثیرات و با هدف دستیابی به راهبردهایی برای اصلاح و بهینه‌سازی این منبع مهم آموزش غیررسمی (داستان)، پی‌ریزی شده است.

در این بررسی، داستان‌های یک دوره زمانی پنج ساله (۶۸-۷۲) که توسط نویسندگان ایرانی، برای کودکان و نوجوانان به رشته تحریر درآمده، مورد مطالعه قرار گرفته است. به این ترتیب ۱۰۸ داستان مطالعه، یادداشت‌برداری و تلخیص شده و بنا به ماهیت موضوع، تحلیل محتوا و اصول مربوط به آن، به عنوان روش دنبال گردیده است.

پاسخ پرسش‌های اصلی تحقیق، از طریق تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها و اطلاعات کسب شده و با استفاده از فرمول‌های آماری آزمون تی و مجذور خی، به دست آمده است. به این ترتیب، روشن شد که اختلاف معنی‌داری بین فراوانی شخصیت اول دختر و پسر وجود دارد. به این معنا که شخصیت‌های پسر، به مراتب بیشتر در داستان‌ها حضور دارند.

همچنین، برخلاف تصور اولیه، دختر یا پسر بودن شخصیت اول، به زن یا مرد بودن نویسنده مربوط نیست. در واقع، می‌توان نتیجه گرفت که نویسندگان الزاماً برای هم‌جنسان خود نمی‌نویسند. در پاسخ به سؤالات تحقیق، روشن شد که پیام یا درون‌مایه و نحوه پایان داستان، از جنسیت شخصیت اول متأثر نمی‌شود. این داده‌ها

اصلی، ارتباط وجود دارد؟»

در فصل دوم، به ادبیات و پیشینه این تحقیق پرداخته شده و فصل سوم، به روش تحقیق که روش تحلیل محتواست، اختصاص یافته است.

### ❖ جامعه آماری و نحوه گزینش نمونه‌ها

تمام قصه‌ها و داستان‌های نوشته شده برای نوجوانان، طی سال‌های بعد از انقلاب، اعم از داستان‌های کوتاه یا بلند که به صورت کتاب و یا در مجلات ویژه نوجوانان منتشر شده است، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهد (به جز داستان‌های تجدید چاپ یا بازنویسی شده از پیش از انقلاب و همچنین مقاله‌ها، گردآوری‌ها و تألیفات خارج از ایران).

در ضمن، این جامعه آماری، داستان‌هایی را در برمی‌گیرد که توسط نویسندگان حرفه‌ای به رشته تحریر درآمده است. نمونه‌گیری نیز به روش خوشه‌ای و با توجه به اهداف و محدودیت‌های تحقیق صورت گرفته است. فصل چهارم، به تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌پردازد. نتایج به دست آمده، این‌گونه روشن می‌سازد که مجله رشد نوجوان که وابسته به وزارت آموزش و پرورش است، طی این چهار سال، هیچ داستانی با شخصیت اول دختر نداشته است.

در مجله سوره نوجوان که به کوشش حوزه هنری سازمان تبلیغات تهیه می‌شود و اولین شماره آن در سال ۶۹ منتشر شده، از بین ۳۴

داستان منتشر شده فقط شخصیت اول ۴ داستان دختر است. در مجله سروش نوجوان که به سازمان صدا و سیما وابسته است و بیشتر درون‌مایه‌های اخلاقی و تربیتی دارد، ظهور شخصیت‌های اول دختر چشمگیر است. با این حال، همچنان نسبت شخصیت‌های اول پسر به دختر، به وضوح بیشتر است.

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش که آیا نویسندگان، فقط به مسائل همجنسان خود می‌پردازند، می‌توان به صراحت گفت که تفاوت معنی‌داری دیده نشده و لذا جنسیت شخصیت اول داستان، مستقل از جنسیت نویسنده است. به این معنا که نویسندگان، چه زن و چه مرد، الزاماً به مسائل همجنسان خود نمی‌پردازند.

به سؤال سوم تحقیق که رابطه بین پایان داستان با جنسیت را مورد پرسش قرار می‌داد، این‌گونه پاسخ داده شده که گرچه پایان خوش از فراوانی بیشتری برخوردار است، ارتباط معنی‌داری بین نحوه پایان داستان با جنسیت شخصیت اول داستان وجود ندارد.

ارتباط بین درونمایه داستان با جنسیت شخصیت اول داستان، سؤال آخر این تحقیق است. با توجه به محاسباتی که در تحلیل آماری داده‌ها صورت گرفته، ارتباط معنی‌داری بین نوع پیام یا درونمایه داستان‌ها و جنسیت وجود ندارد. به این معنا که دختر یا پسر بودن شخصیت اول داستان، تعیین‌کننده نوع پیام یا درونمایه داستان نیست.